پرچم
ناشراندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان
شماره (بیستم) دوشنبه ۳۱ سرطان ۱۳۴۷ ه ۲۲ جولائی ۱۹۶۸ ع

ا.عمر فیض- کلکسیون پرچم- اهدا به آنهایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

آمو

دربارهٔ حل چهار مسألهٔ ملی

(استقلال ملی، دموکراسی ملی، اقتصاد ملی، فرهنگ ملی)

در مرحله کنونی در برابر جامعهٔ ملی ما چهار مسأله عمده وضروری قرار دارد که رسالت تاریخی هر فرد شریف ووطنپرست افغانستان است تادر باره حل نهایی وجامع آن مجدانه مبارزه کند. این چهار مسأله حاد و مبرم قرار آتیست :

اول استقلال ملی :

مسأله تامین استقلال ملی (استقلال سیاسی و اقتصادی) به این معنی است که هیچ ارادهٔ دول خارجی بر کشور ما تحمیل نشود وخلقهای وطن واحد پر افتخار ما افغانستان، کشور خودش را بهر طریقی که می خواهد آباد واداره کند. دراین صورت توان گفت که خلق وکشور افغانستان خلق وکشور مستقلی است .

بعبارت دیگر: استقلال ملی عبارت است از آزادی خلقهای رنجدیده از قید وبند همه جانبه استعمار کهن ونوین وامپریالیزم وستم ملی ورهایی از وابستگی وتسلط مخفی وعلنی ، خشن یا ظریف کشور های خارجی اعم در ساحه سیاسی واقتصادی ونظامی .

بی نیاز از اثبات است که هیچ فرد خارجی و هیچ دولتی بهتر از خود خلق های کشور ما منافع ومصالح وراه ترقی اجتماعی خویش را درک نمی کند وتشخیص نمیدهد . کشور های استعمار گر سرمایه داری وامپریالیست که به بهانه ها وحیل گوناگون در کار کشور های دیگر مداخله میکنند فقط باین نیت اند که به ضرر وزیان ملت وخلق دیگر وبنفع وسود خود استفاده های سیاسی واقتصادی ، ایدیالوژیکی واستراتیژیک نمایند.

مااز استقلال ملی باین مفهوم معتقدیم که همه ملل وخلقهای جهان از حقوق متساوی وعام وتام خود بهره مند باشند. موضوع تامین استقلال ملی هیچگاه به مفهوم منفرد شدن از ملل جهان نیست . پیوند استقلال ملی باگرایش مترقی دوران معاصر جوامع بشری وقتی پیوند صحیح ودرست پیدا میکند که این پیوند بر پایه واندیشه حاکمیت ملی «بخاطر تساوی حقوق ملل واعتماد متقابل ودوستی و تعاون مشترک وبرقراری تماس نزدیکتر بنفع ترقی وتعالی اجتماعی»، عدم مداخله درامور داخلی ، قبول هر ملت برای حل مستقل کلیه مسایل کشور خویش ، رعایت اکید احترام حاکمیت وتمامیت ارضی همه کشور ها وسر انجام به تحکیم استقلال سیاسی واقتصادی خلقها استوار باشد .

باید بصراحت خاطر نشان گردد که ملاک قضاوت ما روی مناسبات سالم سیاسی کشور ووطن واحد ماافغانستان، بمنظور استقرار استقلال ملی با دول خارجی بدون استثنا روی اصول مطروحه فوق بر قرار است وباید افکار سیاسی هر وطنپرست وسازمان های سیاسی افغانستان از چنین اندیشه مترقی دوران ما، پیروی کند. این ملاک مترقی واصیل وطنپرستی، در مسیر منطقی دوران کنونی جهان وکشور ما ست . بدون مبارزه قاطع علیه امپریالیزم وارتجاع داخلی تامین استقلال ملی وترقی وپیشرفت اجتماعی امکان پذیر نیست «استقلال سیاسی میتواند فقط بدست مردمی استقرار یابد که به حقوق وآزادیهای دموکراتیک نایل آمده ودر اداره امور کشور خودشرکت فعال داشته باشند».

دوم_ دموکراسی ملی :

مسلم است که دموکراسی سیاسی بدون دموکراسی اقتصادی، دموکراسی غیر واقعی وبدون محتوی است. مفهوم

(ص ۳)

داجتماعی مبارزی په باره کښی

مبارزه دانسانانو داجتماعی فعالیت یو غوره شکل دی .

مبارزه دیوهدف اوچاړ دی دبریالیتوب لهلاری نه دخنډونو لری کولو او دهغی دبریالیتوب دپاره دلاری جوړولو دپاره هڅی ته ویل کیږی .

کیدای شی چه مبارزه مترقی یا ارتجاعی وی. که مبارزه دنوی چاری دبریالیتوب او دهغی ددفاع دپاره وی دغسی مبارزی ته یوه مترقی مبارزه ویل کیږی . که چیری مبارزه دزړی چاری دبریالیتوب یا دهغی دساتنی دپاره وی هغی ته یوه ارتجاعی مبارزه ویل کیږی . اجتماعی مبارزه ځان ته فن لری چه هغه ته تاکتیک او ستراتیژی وایی داجتماعی مبارزی دفن دقواعدو او قوانینو پیژندنه او په هغو باندی ځان پوهول دومره ضروری کار دی لکه څنګه چه دعلمی رهبری او نهضت دموازینو اواساسی قوانینو پیژندل یو لازمی کار دی. که داسی نه وی نو مبارزه بی نتیجی ده. اجتماعی مبارزه یو پیچلی جریان دی چه متضاداو متقابل قطبونه لری لکه حمله ،په شاتګ، نرموالی او قاطعیت ، جوړښت او سر سختی ، زړورتیا او احتیاط ، صبر او تلوار، تدریج او ګړندیتوب ښکاره او ... کار او داسی نور.چه په هره ګړی کی دزمان اومکان له شرایطو سره سم یوله دغو دوو قطبونو څخه عمده کیږی.په عین حال کی متقابل قطب دمبارزی هم خپله اغیزه ساتی او هیڅکله نه بی اغیزی کیږی .

داجتماعی مبارزی دمتقابلو قطبونو په منځ کی صحیح اودیالکتیکی تناسب پیدا کول اوپه موقع له یوه قطب څخه بل قطب ته تیریدل یوله ډیرو سختو وظیفو څخه ده چه یوازی یوه مجربه ،لارښوونکی او پوهوونکی لای شی دحقایقو دعلمی تحلیل په اساس دغه تناسب بیا مومی.دعمده قطب غیر عمده کول او دغیر عمده قطب عمده کول اود مبارزی د متضادو قطبونو په منځ کی تال وهل دمبارزی کارته زیات تاوان رسوی .

اجتماعی مبارزه ته کامیابی او ناکامی ، ماتی او بری ، توقف او تعرض، پر مخ تګ او په شاتګ سره یو ځای وی .

باید وکولای شوچه له هری ناکامی وروسته دمبارزی په راتلونکی مرحلی کی دزیات قدرت دپیدا کولو دپاره لازمی مثبتی او منفی تجربی راټولی کړو اوله هغو ګټه واخلو ، ځکه چه دتجربو تجریدی تکرار ګټه نلری. که دمبارزی هدف درست او سازمان ټینګ وی ، که چیری رهبری صحیح او مبارزه سنجیده او پیګیره وی اوله حوادثو څخه نه عبرت واخیستل شی پای یی اورمرو بری دی .

نا هید

افزایش روزافزون قیمتها فریاد مردم را بلند کرده است

قیمتی مرض مزمن ودائمی کشور است . کدام سال است که مخارج زندگی بلند وبلندتر نمیشود و کدام عید و سال نوست که گرانی دیگری رابه ارمغان نمی آورد ؟امسال مصارف زندگی بلند تر از سال گذشته است وسال آینده بلند تر از امسال خواهد بود .

این وضع در کشور ما شکل تعامل برگشت ناپذیری رابخود گرفته است. قیمت همه مایحتاج ووسایل اولیه زندگی از قبیل خوراک ،پوشاک ، کرایه منزل وغیره در چند سال اخیر چندین بار افزایش یافته است که در نتیجه آن وضع زندگی کارگران دهقانان، اهل بازار و کسبه، مأمورین پائین رتبه وسایرزحمتکشان هر روز طاقت فرساتر میشود .

بیکاری روز افزون ، قلت عواید وترقی قیمت ها زندگی مردم راتلخ و دشوار ساخته است ، عوایدطبقات مختلف مردم که در نازلترین سطحی قرار دارد ، ثابت مانده یا کاهش یافته ویا بحد اقل افزایش یافته ،در حالیکه قیمت ها بطورسر سام آوری بلند رفته است. مثلا بر طبق نشرات رسمی حکومت در طی پلان پنجساله دوم مزد ها و معاشات کار گران رشته های مختلف تولیدی بطور متوسط بیشتر از ۱۵ فیصد افزایش نیافته است، حالانکه شاخص های قیم بازار نشان میدهد که به صورت مجموعی قیمت موادغذائی ازسال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۷ در حدود یکنیم مرتبه بلند رفته که از آنجمله قیمت حبوبات در سال ۱۳۴۵ نظر به سال ۱۳۴۰ به اندازهٔ ۲۴۳، مواد گوشتی ۲۱۶ ، میوه جات ۱۸۱، سبزیجات ۱۶۱ وسایر مواد غذائی به ۱۵۰ فیصد رسیده است ، در صورتیکه سال جاری در نظر گرفته شود قیمت ها به صورت عمومی نسبت به سال ۱۳۴۰ در حدود چهار مرتبه افزایش حاصل نموده است.در اخبارونشرات دولتی راجع به تثبیت قیمت ها پیوسته اعلاناتی نشر می گردد اما مردم به روشنی می بینند که این اعلانات میان تهی ووعده ها جهت «تثبیت نرخها» در هر مرتبه موجبات گرانی بیشتری رافراهم آورده است. بالا رفتن مخارج زندگی مسأله ئی نیست که بتوان آنرا از نظر مردم پنهان داشت ، بلکه طاعونیست که بشکل اپیدیمیک (همه گیر) در کشور پخش میگردد وحکومت ها با تمام تبلیغات نمیتوانند آنرا پنهان دارند. توده های عظیم مردم فشار روزافزون آنرا بر روح واعصاب ضعیف ورنجور خود احساس میکنند .

هیأت حاکمه افغانستان چارهٔ دیگری ندارد جزاینکه وعده مبارزه با گرانی را به شکلی از اشکال برای تسکین نا رضایتی ها وناراحتی های مردم بدهد .

کوشش شده است که مبارزهٔ باگرانی از طرقی مانند تعیین نرخ ها، برقراری جریمه،لغوجوازنامه های صنفی و مسدودساختن دکانها وغیره صورت گیرد ، ولی چنین اقداماتی ازیکسو متوجه عوامل اصلی گرانی نبوده واز سوی دیگر بنابر فساد دستگاه ودوائر مربوط نتیجه ئی ازآن بدست نیامده است .

تقلب در خرید و فروش مایحتاج زندگی و گران فروشی موجب خسارات وزیانهای بزرگی به مردم گردیده که در نتیجه آن بودجه فامیل های کشور مختل شده و سطح زندگی مردم پائین افتیده است . حکومتها با تمام تبلیغات ووعده ها حتی از تأمین نیاز مندیهای عادی مردم نیز نه تنها عاجز مانده اند ، بلکه زمینه را برای غارتگری یک تعداد تجار دلال مساعد ساخته اند تا آنان حتی چیز های به کشور وارد نمایند که از محصولات زراعتی و صنعتی افغانستان میباشد، مانند: گندم روغن وسایر مواد خوراکه. همچنین مبالغ هنگفتی از حاصل دسترنج طبقات محروم کارگر ودهقان وزحمتکشان کشور که میتوان آنرا بانهایت صرفه جوئی جهت رشد صنایع و بهتر و بیشتر ساختن تولیدات مصرف کرد، برای خریداری اموال تجملی و غیر ضروری که بازار های کابل بهترین گواه آنست، از دست میرود. که بدین ترتیب بنابر سیاست نادرست اقتصادی حکومتهادرافغانستان وعدم کنترول قیمت ها زمینه برای سوء استفاده یک مشت طفیلی محتکر و دلال و فروشندگان اموال طوری مساعد گردیده است که ایشان حد اعلی بهره کشی را از مردم می نمایند . هیچگونه اقدامی جهت تاسیس کوپراتیف های تعاونی به منظور تهیه مواد اولیه مورد نیاز مردم و کنترول قیمت ها از طرف حکومت بعمل نیامده اردیکه برای

(ص ۳)

غرجستانی

قشر تجار کمپرادور وابسته به استعمار نوین مانع رشد اقتصاد ملی کشور است

امپریالیزم سخت در تلاش است که اهرم های اقتصادی کشور های کم رشد واز جمله کشور ما را در دست گیرد واز طریق ایجاد مشکلات اقتصادی و سیاسی در اقتصادیات کشور نفوذ وارد کرده، منافع غارتگرانهٔ خودرا تأمین نماید. با بکار بستن شیوه های استعمار نوین ، امپریالیزم از طرق مختلفی به استثمار اقتصادی کشور های کم رشد می پردازد که یکی از آنها استثمار پنهانی اقتصادی است و عمده ترین وسیلهٔ آن تحمیل تجارت خارجی نا متساوی برین کشور ها میباشد که این وسیله توسط انحصارات امپریالیستی بمنظور چپاول یکقسمت قابل ملاحظهٔ اقتصاد ملی اعمال میگردد، چه تجارت برای انحصارات قبل از همه وسیله ایست جهت بدست آوردن سود های بزرگ و مستحکم ساختن موضع امپریالیزم ووسیلهٔ نفوذ اقتصادی و سیاسی در کشور .

همچنین استعمار نوین مبادلهٔ نامتساوی را جهت وابستگی کشور های کم رشد به منظور انحراف پالیسی های اقتصادی و سیاسی ورشد تولیدی آنها در جهتی که بازار های داخلی و امور مالی آنهارا تحت کنترول خود در آورد، مورد استعمال قرار میدهد و با موعظه و تحمیل اصل تقسیم بین المللی کار سرمایه داری میکوشد که وضع عقب مانده اقتصادی کشور های کم رشد را حفظ وخود ازین وضع منفعت ببرد.

قیمت های امتعهٔ وارداتی از ین کشور هارا که مواد اولیه میباشد روز بروز پائین آورده و در عوض قیمت اموال صادراتی خود را بالا برد واز بنطریق خلقهای این کشور ها را تحت استثمار بیرحمانه قرار دهد. این امر ناشی از ماهیت امپریالیزم است چه اصلا موجودیت «امپریالیزم بدون استثمار خلقهای دیگر تصور شده نمیتواند.»

استعمار نوین قسمت قابل ملاحظهٔ عوایدملی کشور های کم رشدومنجمله کشور مارا عمدتاً از طریق تجار بزرگ دلال (تجار کمپرادور)به یغما میبرد، بنا برآن کمپرادور هاوسیله، آله، پیشکار و دستیار امپریالیزم وارتجاع اند . تجار کمپرادور باهمکاری به امپریالیزم وتبعیت از پالیسی های آن در حیات اقتصادی کشوردرضمن بتاراج بردن قسمت عمده ثروتهای ملی بسود انحصارات خارجی، خود نیز سهم بزرگی بدست می آورند. بدینمناسبت امپریالیستها بادرک نقش کمپرادور ها میکوشند که بعضی از تجار و بورژوازی ملی را نیز «کمپرادوریزه» کنند و منافع ایشانرا باخود اختلاط دهند. چه تجربه نشان داده است که بورژوازی تجارتی صاحب قدرت های بزرگ مالی از لحاظ وابستگی خود از طریق تجارت خارجی بانحصار های سرمایه داری در جبههٔ ضد خلق قرار گرفته اند.

تجار کمپرادور نه تنها به قیمت فقر وورشکستگی توده های عظیم زحمتکشان شهر وده منافع بزرگی را برای خود وارباب و حامیان امپریالیست خویش تأمین مینمایند ومانع رشد سریع نیرو های تولیدی وهر گونه تحولی مفید در حیات اقتصادی واجتماعی جامعه میگردند، بلکه نسبت به بورژوازی صنعتی و تجارتی متوسط و کوچک هم هیچگونه رحمی ندارند و آنان رانیز از لحاظ اقتصادی ور شکست و خانه خراب میسازند.

افزایش تولید داخلی و رونق بازار چون باقوهٔ خرید مردم مربوط است ، اما از آنجائیکه نفوذ مالی و تجارتی استعمار جدید ومنابع سبات کهنه فئودالی مانع رشد ورونق بازار داخلی میگردد، بنابران بورژوازی متوسط «بورژوازی ملی» و کوچک که ارتباط مستقیم با اقتصاد ملی و بازار داخلی دارند باوجود وضع نوسانی ومزاج دوگانه شان کم و بیش دارای تمایلات ضد امپریالیستی وضد فئودالی اند.

لیکن قشر بالائی و ثروتمند بورژوازی که همان بورژوازی کمپرادور است، چون متحد مستقیم سرمایه های خارجی و همکار امپریالیستها اند. بنابران دشمن سرسخت جنبشهای رهائی بخش مردم در کشور بوده و پایگاه اساسی امپریالیزم وارتجاع را تشکیل میدهند.

تجار کمپرادور در کشور ما از سالهاست که بااستفاده ازامتیازات بی پایان خود ثروتهای بزرگی را بدست آورده و چون هیچگونه مکلفیتی را احساس نمی نمایند که اقلا از آن برای افزایش تولیدات داخلی استفاده گردد، قسمت عمدهٔ آنرا به ذرایع مختلف از کشور خارج کرده ومانع تراکم سرمایه در داخل کشور میگردند. اینها چون از یکسو بانمایندگیهای انحصارات سرمایه داری وتجار خارجی در کشور اختلاط کامل منافع و همکاری دارند، بنابران بیجکهای جعلی راترتیب کرده و حتی به تصدیق اطاقهای تجارت کشورهای غربی میرسانند. از دسکونت (تخفیف) قیمت ها استفاده میبرند وکمیشن کاری تجار و نمایندگیهای خارجی راجهت توریدمقادیر زیاد اموال بی لزوم کشورهای سرمایه داری انجام میدهند وازسوی دیگر بنابر سازش با محافل حاکمهٔ بانفوذ و هم ارتباط نزدیکی که بامقامات ادارهٔ امور تجارتی کشور دارند، سهمیه های بزرگ تجارتی را بدست می آورند، از تسهیلات بانکی که برای ایشان بصورت استثنائی میسر میگردد استفاده مینمایند، قبل از اعلان ممنوع کردن واردات بعضی انواع اموال خارجی اطلاع حاصل و مقادیر زیادی را وارد کرده وبعد بصورت انحصاری بفروش میرسانند وازین طریق وراه های دیگری مانند فروش اموال وارداتی به دست دوم و سوم باأخذ مفاد بزرگ به تجار متوسط وکوچک وغیره علاوه برغارت عمومی مردم، اینها رانیز مورد استثمار قرار داده وروز بروز وضع انحصاری را در تجارت بوجود می آورند.

تجار کمپرادور به نیرنگهای مختلفی چون تجارت بنام اشخاصیکه اصلا واقعیت خارجی ندارند و یا کسانیکه سالها قبل مرده اندویااینکه توسط پوست پارسل اشیای قیمتی وارد ویا انتقال داده میشود و در ورقهٔ علم و خبر آن چیز دیگری درج میگردد ودهها وسیله وحیلهٔ دیگر دوران سرمایه تجارتی را کم نشان میدهند واز پرداخت مالیات گریز مینمایند. محصول وعوارض گمرکی را علاوه بر سازشهای مستقیم بامقامات گمرکی و بیروکراسی فاسدکشور

(ص۲)

کارگران نجیب ووطنپرست

سپین زر قندز باید آزاد شوند !

تفتین کار فرمایان مغرور واستثمارگر موجب آن گردید که مبارزه واعتصاب قانونی و آرام کارگران فابریکه سپین زر قندز «برای تأمین مقاصدجایز وصلح آمیز» بنابر امر خلاف قانونی والی قندز منتج به توقیف ۲۰ نفر کارگرشریف ومولد نعمات مادی جامعه گردد. خلق رنجدیده کار گر کشور عقب مانده قرون وسطائی ما چنین صحنه های خود سری و ستمگری رافراوان دیده است .

همانطوریکه خوانندگان محترم در شماره (۱۸) جریدهٔ پرچم مطالعه کرده اند ، توقیف این کار گران بر اساس عکس العمل محافل حاکمه ارتجاعی در برابر صرفاً مطالبات اقتصادی کار گران فابریکه سپین زر بودکه به اشاره شخص مقتدر وفعال مایشاء سپین زر شرکت وولایت قندز صورت گرفت وبه اصطلاح «تحمل دموکراتیک» حکومت را تبدیل به عمل خلاف قانون وآزادیهای مصرح در قانون اساسی (فصل حقوق افراد) گردانید .

کار گران وطن پرست وزحمتکش شرکت سپین زر قندز (فابریکه) که بدون کوچکترین ارتباط با برون از زندان، خانه وخانواده بدون تامینات حد اقل زندگی از قبیل نان ، لباس وحتی آب نوشیدنی و مستراح درسلول زندان غیرصحی، بدون مراعات کرامت انسانی توقیف اند، اشخاص ذیل میباشند :

بناغلی محمد امین کار گر تیلکشی، بناغلو عبدالرحمن وخواجه امیر محمد کار گران خرادی ، عبدالصمد باشی حلبی سازی وصلاح الدین کار گر حلبی ساز، غلام غوث، عبدالفتاح، عبدالقادر ، زلمی و محمد سرور کارگران برق، غلام رسول، نصیر احمد ولعل محمد کارگران ترمیمات، شهزاده کارگرریخته گری، گل محمد سر میخانیک بسته کاری، میرویس الدین باشی برق دشت ارچی، محمد امین و محمد حکیم کار گران کرین از قندز ، محمدرحمن باشی سیمتاب ومحمد عزیز کار گر دیزل از دشت ارچی .

افکار عمومی خلق به شدت علیه این عمل خلاف قانون مقامات مسؤول حکومت اعتراض مینماید وطبق آزادی های مصرح درقانون اساسی، اعلامیهٔ حقوق بشر که افغانستان آنرا تعهد کرده است ، آزادی بدون قید و شرط توأم باحق کار کارگران آگاه وطن پرست سپین زر شرکت را جداً خواستار است واز آنان تا آخرین امکانات دفاع و پشتیبانی میگردد .

باید کار گران نجیب ووطنپرست فابریکه سپین زرقندز آزاد شوند!

پرچم
دافغانستان دخلک دموکراتیکو افکارو خپرونکی
۳۱ سرطان ۱۳۴۷

ا.عمر فیض- کلکسیون پرچم- اهدا به آنهایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

نظری به رویدادهای مهم سیاسی جهان درهفتهٔ گذشته

در آسیا :

در حالیکه اوضاع بحرانی شرق میانه وتجاوزات پیهم امپریالیزم در وجود اسرائیل، بیش از هر وقت دیگر اتحاد همه نیرو های مترقی، ملی و دموکراتیک جهان عرب رالایجاب مینماید، کودتای هفته گذشته عراق نگرانی های جدیدی رادرعمان، صنعا، دمشق، قاهره وحتی ریاض بوجود آورد .

تاکنون از طرف هیچ یک ازدول عربی تبصره رسمی راجع بکودتای عراق صورت نگرفته ونه آن از طرف کدام کشور عربی به رسمیت شناخته شده است.

اما از تبصره های جراید دول عربی بر می آید که جهان عرب به کودتای عراق به نظر مساعد نمی بینند .

جراید قاهره جنرالهای ارتجاعی راکه از طرف جناح راست حمایه و پشتیبانی میشودعامل کودتامیدانند.

روزنامه النهار چاپ بیروت کودتای عراق را علامت جنگ در شرق میانه خواند. همچنان جراید تونس کودتای عراق رامحکوم نموده وگفته اند: تنها کشوریکه ازین کودتا سود میبرد اسرائیل است .

ناظرین سیاسی در بیروت باین عقیده اند که رژیم کودتا در عراق زیاد دوام نخواهد کرد. حتی مخبر آژانس خبر رسانی رویتر اطلاع داده است که حزب بعث در عراق تکیه گاه اجتماعی ندارد .

اکنون در بغداد اوضاع به حالت عادی برمیگردد ، قیودیکه کودتاچیان وضع کرده بودند کم شده میرود. جنرالهای کودتا، حسن البکر یکی از رهبران حزب بعث رابه حیث رئیس جمهور انتخاب نمودند. حسن البکر بعد از کودتای ۱۹۶۳ نیز صدراعظم بود .

کودتاچیان یک شورای انقلابی تاسیس کرده اند ، آنها رژیم عبدالرحمن عارف رایک رژیم فاسدوزد اعلان کردند . دراعلامیه شورای انقلابی جدید عارف و همکاران اورابه خدمت در شبکه جاسوسی اسرائیل متهم نمودند. رادیو بغداد در تفسیریکه به مناسبت تغییر رژیم در عراق انتشار داد گفت که رژیم سابق یک رژیم فاسد بود وعراق از طرف گروهی بیسواد ونادان اداره میشد. دراعلامیه کودتاچیان گفته میشود که حکومت سابق عراق هیچگامی درراه اصلاح وضع کرد ها بر نداشت اما حکومت جدید بزودی مسألهٔ کرد هارا حل خواهد کرد وبه وضع ناگوار اقتصادی خاتمه خواهد داد .

در حالیکه در ظرف ده سال گذشته این چهارمین کودتا ست که درکشور عراق صورت میگیرد، اما هریک از حکومتهای که ذریعه کودتا به میان آمده اکثراً خصوصیت ارتجاعی داشته وتکیه گاه اجتماعی شان در بین مردم ضعیف بوده است وباپروگرام ضد ملی وضد دموکراتیک خویش خود را بیش از پیش از مردم تجرید وبدین وسیله زمینه را برای کودتای بعدی مساعد ساخته است.

از سال ۱۹۵۸ که کودتای نظامی توسط عبدالکریم قاسم صورت گرفت تاحال مسایل عمده مردم عراق لاینحل ماند. جنرالهای کودتاکه از طرف ارتجاع داخلی وخارجی پشتیبانی میشدند نگذاشتند که مردم ازپیروزی های حاصله بهره برداری نمایند .

کریم قاسم وجانشینان او باپیروی از سیاست ضد دموکراتیک و خصومت باعناصر مترقی زمینه را برای تسلط ارتجاع و مداخله های آشکار وپنهان امپریالیزم در امور داخلی عراق فراهم ساختند وخود قربانی سیاست های ارتجاعی خویش گردیدند .

آنها مسألهٔ کردهارالاینحل گذاشتند، حقوق وآزادیهای دموکراتیک مردم را نه تنها تنظیم نکردند بلکه آنرا زیر پاکردند وبه نیازمندیهای اساسی مردم توجه ننمودند وکشور را بورطه هلاکت بردند .

اکنون که چهارمین کودتا صورت گرفت باز هم وضع اجتماعی و اقتصادی عراق بی اندازه رقت انگیز است، مسألهٔ کرد خلق حل نا شده باقی مانده است، احزاب ملی ومترقی منحل و رهبران آنها در زندان ها بسر می برند ، دکتاتوری نظامی بر مردم عراق حکومت میکند. وهرنوع حقوق وآزادیهای دموکراتیک مردم صلب گردیده است . دوام وبقای هر حکومت در عراق وابسته به حل اساسی این پرابلمها میباشد .

* * * *

تقویه اسرائیل از طرف امریکا و سایر دول غربی به شدت ادامه دارد. طی قرار دادیکه بین اسرائیل وآلمان غرب با امضاء رسیده آلمان غربی حاضر شده است مبلغ چهارده ملیون مارک به اسرائیل کمک اقتصادی بدهد.

نامه نگار نیویارک تایمز اظهارعقیده میکند که : اسرائیل قصد دارد بیت المقدس را پایتخت خود بسازد و امریکا حاضر شده است که (۵۰) عدد طیاره نوع اف فانتوم به اسرائیل بدهد. صدراعظم اسرائیل اعلان میدارد که سر زمینهای اشغال شده را از دست نخواهد داد وبرای حفظ سر زمینهای اشغال شده به اسلحه امریکایی ضرورت دارد .

* * *

جنگ ویتنام باوجود مذاکرات پاریس باشدت ادامه دارد . امریکائیها ویتنام شمالی را از هوا وبحر بمباران مینمایند وتلفات زیادی به شهر ها و مراکز صنعتی میرسانند. تعدادمجموعی طیارات امریکایی که در ویتنام شمالی سقوط داده شده به (۳۰۳۸) طیاره بالغ گردیده است .

درویتنام جنوبی جنگ بین عساکر امریکایی و متحدین آن با ویتکانگها به شدت ادامه دارد وتلفات سنگینی به عساکر امریکایی وارد میشود. در سایگون ناآرامی شدیدی از بیم حمله جدید پارتیزانهاوجود دارد، قوماندانی قوای امریکا در سایگون ، حکومت سایگون، مامورین عالیرتبه، ثروتمندان، تجار بزرگ ، صاحبان کابارهها، قمار خانهها، هوتلداران وغیره گروههای ضد ملی سخت در وحشت اند وهر لحظه جان خود رادر خطر می بینند. طیارات امریکایی اطراف شهر سایگون را به گمان اینکه پارتیزانها در آن جاگرفته شب وروز به شدت بمباران مینماید .

در اروپا:

جلسه رهبران پنج کشور سوسیالسی دروارسا پایان یافت . درین جلسه نمایندگان اتحاد شوروی ، بلغاریا، مجارستان، پولند والمان شرقی اشتراک داشتند، اشتراک کنندگان جلسه در مورد مسایل مختلف مورد علاقه از قبیل امنیت اروپا، مسایل شرق میانه، بحران شرق دور و مسایل مربوط به جنبش کمونستی وکارگری درجهان به مذاکره پرداختند درختم جلسهٔ نامه ای دستجمعی به رهبران حزب کمونست چکوسلواکیا ارسال نمودند .

دکندهار دترانسپورت موټروانانو خپل

موټرانو داعتصاب په ټول ولایت دودانی په مخ کی ودرول

خبرمو اخستی دی چه دکندهار دترانسپورت دری سوو موټروانانو دولایت د ماموریتو دناروا فشارونو له کبله خپل موټران دو لایت دودانی په مخ کی داعتصاب په ټول درولی دی اود لویو سوداګرو په ګټه ئی دمالونو له بارولو څخه ئی ډډه کړیده .

خبریال وایی چه پخوا به لویو سوداګرو خپل مالونه بی نوبته دموټروانانو تر منځ درقابت پیدا کولو له لاری په ډیره ټیټه بیه له یوه ځای نه بل ځای ته موټرونو کی وړل اودغه کار موټروانانو ته ډیرتاوان رساوه. کله چه موټروانان دلویو سوداګرو دغی وضعی ته متوجه شول نو خپله اتحادیه ئی جوړه کړه او مالونه به ئی په نوبت سره بارول . خو ورځی دمخه څو تنو سوداګرو اود ولایت ماموریتو لاس سره یو کړ او موټروانانو ته ئی اجازه ورکړه چه اتحادیی داساسنامی په خلاف پرته دنوبت دمراعات نه مالونه نقل کړی . دغه کار دموټروانانو ځورولو دپاره زمینه برابره کړه او دپولیسو په مرسته موټران راګرځول کیدل اود مال وړلو ته مجبوریدل .

په پای کی موټروانان دومره په تنګ شول چه مجبور شول خپل موټران چه شمیرئی ۳۰۰ ته رسیږی دولایت په مخ کی ودروی او په اعتصاب لاس پوری کړی.

داعتصاب نتیجه تراوسه معلومه نه ده .

تظاهرات شاگردان کارآموز کورس برمه کاری

سر پل و لایت جوزجان

اطلاع میدهند که شاگردان کورس برمه کاری (کار گران ما هر فردا) در ولسوالی سر پل ولایت جوزجان بروز ۱۵ سرطان بعد از یکروز اعتصاب وعدم قبولی خواستهای شان از طرف مقامات مربوط دست بمظاهره زدند. خواستهای شاگردان قرار آتیست :

۱- تمدید مدت تحصیل از سه ماه به سه سال .

۲- قبول فارغان کورس درچوکات ماموریت دولت .

۳- توجه به بهبود وضع غذا، لباس و تنظیم درست لیلیه شاگردان وجلوگیری از اتلاف استحقاق شان.

۴- توجه جدی به تهیه وسایل تنویر لیلیه که فعلا بوسایل ابتدایی تیلی آنهم بمصرف شخصی شاگردان صورت میگیرد .

قرار اطلاع،ریاست انتقال گاز خواستهای شاگردان برمه کاری را رد کرد. بنا برآن شاگردان غرض برآورده شدن خواستهای شان دست به تظاهرات زدند، وجهت تامین مطالبات صنفی خویش بطرف مرکز شبرغان حرکت کردند ودر عرض راه دراثر مداخلهٔ پولیس چند تن از مظاهره چیان مورد لت وکوب قرار گرفت این روش غیر قانونی وضد دموکراتیک پولیس ومامورین محلی حکومت مورد انزجار واعتراض عمیق مردم واقع شده است .

پاسخ به صدها نامه رسیده

ازخلق

تاکنون صد ها مکتوب حاکی از رنجهای بیکران طبقات زحمتکش وطن بما مواصلت کرده است. این نامه ها در مجموع خود بیک نمایشنامهٔ تراژیکی شباهت دارد که آغاز آن از درد شروع شده وپایان آن بدرد انجامیده است .ولی این تراژیدی بهیچوجه تسلیم طلب نیست وصرف به فریادها واشک ریزیها اکتفا نمیکند .

غمها ودرد های این نامه ها وپیامها ، ماهیت پیکار جووزمنده دارد واز بین سطور آن با وصف انعکاس مصیبت های عظیم ، شور زندگی ومبارزه بر میخیزد . مردم قهرمان ما ، هموطنان نجیب ما،اعم از کار گران ، دهقانان ،صنوف مختلفه کاسبان ، صنعتکاران، معلمان وشاگردان ، هنرمندان وسایر اقشار روشنفکران ، مشکلات وضرورتهای شانرا بما نوشته اند. یکی تعلیم میخواهد ، آن دگری نان می طلبد ، وآن دگران درجستجوی داکتر ودرمانند. گروهی ازستمگری اربابان محل فغان میکنند، جماعتی از ظلم، تعدی، ارتشا، دسیسه، فسادادارهٔ وقضا ، تجاوز و غارتگری حکام وگماشتگان فریاد میزنند . یکی مینویسد : لباس نداریم ، آن دگری کار ندارد _ گروهی از ستم ملی وتبعیضات می نالد و جماعتی از خشک آبی می خروشد . کفاشان به کسادبازارمبتلاشده اندوابریشم بافان از بیکاری به شور نخودفروشی پرداخته اند . صنایع دستی در زیر ضربات اموال خارجی میمیرند وتاجران کوچک ملی در چنگال دلالان خارجی می نالند .سودخوران بر غارت خود می بالند وروستا زادگان تحت فشار وتجاوز دهخدایان می نالند. یکی از فساد شهر بروستا میگراید ، دگری از بیابانگردی و غژدی نشینی بجان آمده ، سرپناه وکلبه میطلبد .

از ازدواجهای اجباری تاماطلق العنانی وقهاری، ازشیون مزدوران تا حبس بی گناهان ،از نومیدی چادر نشینان تانالهٔ مریضان وبینوایان، از تجاوز ستمگران وزورآوران تا فتنه گری قانون شکنان ومستبدان، از کران تا کران ،فریاد های مردم، فریاد های فرزندان محروم کشور بلند است و در نامه های گوناگونی که بسوی پرچم میفرستند چون سنفونی عظیمیکه میغرد ومیخروشد وگاهی هم می نالد و چون قطرات دریای واحد در یک وجود واحد بهم می پیوندد ، تا ساحل اندیشه های پرچم نگاران میتازد و تلاش میکند دریک مسیر یگانه،مسیروحدت، مسیرنجات ومسیر مستقبل درخشان کشور ما افغانستان عزیز قرار گیرد .

آوازها همرنگ نیست، ولی همنواخت وباهم سازگار است . گویا مردم ما با اندیشه های شان در بارهٔ زندگی تصویر کاملی از جریان خط السیر حوادث جامعهٔ خود ارائه میکنند. راستی است که میگویند :«**از خلق باید آموخت... خلق سازنده تاریخ است**» .

آنان نان ندارند ، میخروشند وزندگی می خواهند . آنان آزادی میخواهند برای آنکه کشور شانرا دوست دارند و مشتاقند فرزندان مادری پر افتخار باشند . آنان از بیابانگردی وشترچرانی در برابر بحر پیمایان وآسمان تازان جهان شرمها دارند . مردمیکه در طاعون گرسنگی وستم برهنگی بسرمیبرند، تحقیر میکشند ودر برابر بشریت مترقی سر ندارند ، سرهای بلند، کشوری ارجمند وزندگی آبرومند میخواهند .

اینست آنچه بمامینویسند،وآنچه میخواهند : نان ، لباس ، مسکن، صحت وسواد وهر آنچه ضرورت آدمیت است .

ماکه ورق پارهٔ کوچکی را بحیث پرچم نجات برافراشته ایم ، دربرابر خلق خود وبالوسیله در برابر بشریت مسئوولیت ها داریم ، دریغا که نمیتوانیم هر آنچه را از هر دل پر دردی بر میخیزد و سرشکی را که برگونهٔ هر ستمکشی فرومیریزد زیب این نامهٔ مختصر کنیم ، ولی ما از چکیده های ذهنی خلق ارجمند افغانستان که از عطش ضرورت سر کشیده وراه پرچم اندیشه های خودرا در پیش گرفته ،بسا حقایق که می آموزیم و بسا تجارب که می اندوزیم . همین اندوخته ها اند که قطره قطره میتراوند و دریای عظیم اندیشه های بشریت رامی آفرینند.

آنچه را پرچم بصورت کلی طرح میکند ، ناشی از همین درد ها وآلام است . درد های وطن ، درد های خلق ما . درد های بشریت بزرگ .

اگر ما نتوانستیم بذکر آنچه در خور ذکر است بپردازیم معنای آنرا ندارد که گزارشهای گرانبهای خلق ستمدیدهٔ خود رافراموش کرده ایم. ما از شما می آموزیم . در چراغ بصیرت شماراه می پیمائیم و اگر شما خلق عظیم و نجیب کشور نبودید ، ما هم نبودیم .

ما بامید شما ، بامید فردای شما، فردائیکه همه چیز آن از شما خواهد بود، زندگی ومبارزه میکنیم .

دآموډسین اوبو دحضرت امام

دو لسوالی دخلکو په زرګونو جریبه ځمکه لاندی کړی اوپهځینو ځایونو کی داوسیدونکو ژوند پهخطر کی دی

خبرمو اخستی دی چه له کلونو راپدیخوا دحضرت امام دولسوالی دخلکو په ځمکوباندی د آموسیند دکلم دتنها نی پهبرخه کی د آق_مسجد اوبه راپورته کیږی اوددجواددتهانی نه نیولی تر اوته بزیوری ۲۷ کیلو مترو یه فاصلی ځمکی تراوبو لاندی کوی او په سلګونو کورونه ورانوی او په زرګونو جریبه ځمکی له حاصله اچوی او هر ځلی د کندز دولایت موظفین راغلی او حال یی پهخپلو سترګو لیدلی دی. خو تر اوسه پوری ئی هیڅ اساسی چاره نه ده کړی. سرکال هم د نورو کلونو په شان نوموړی سیند خپله مجرا بدله کړی اونسبت هرکال ته ئی زیات تاوانونه ورسول،دخلکو دټول کال حاصل ئی تباه کړ، څاروئی ورووژل او کورونه ئی وران کړل .(۲۸) ورځی کیږی چه په ځینو ځایونو کی خلک داوبو په محاصره کی دی که ژر مرسته ورسره ونشی دمرګ خطر ئی تهدید وی .

که دغه خبر رښتیاوی ددیر تأسف وړ دی او حکومت مسؤول دی چه ولی ئی ددومره کلونو په موده کی اساسی چاره کړی نه ده .

بازهم درباره حقوق کارگران جنگلک

طوریکه خوانندگان ارجمند پرچم اطلاع دارند کارگران شریف جنگلک برای تامین خواستهای صنفی واقتصادی خویش، بدنبال عدم اعتنای مقامات مربوط بهمطالبات شان ،به اعتصابات و مظاهرات قانونی دستزدند. اما مسؤولان امرنه تنها باین موضوع برخورد قانونی نکردند بلکه بیشتر از پیشتر بر حقوق کارگران پشت پازدند. چنانکه مدت ۱۵ روز ایام اعتصاب کارگران را (علی رغم آنکه حق اعتصاب درسراسر جهان از حقوق مسلم آنان بشمار میرود و اعلامیهٔ حقوق بشر وقوانین کار وکارگر درهمهٔ کشورها آنرابرسمیت شناخته است) به رخصتیهای ضروری شان محسوب کرده وآنانرا ازحقوق رخصتیهای ضروری در ظرف سال محروم ساخته اند. علاوه برآن به انواع مختلف بر کارگران فشار می آورند تا از وظیفه کناره گیری نمایند واگربااین امر هم موفق نشوند به بهانه ها واتهامات دروغین بصورت غیرقانونی دست ایشانرا از کار می گیرند و اخراج مینمایند .

اعتصاب کارگران سمنت غوری

با پیروزی پایان یافت

کار گران نجیب و زحمتکش فابریکهٔ سمنت غوری طی میتنگی که بغرض تامین خواستهای صنفی خویش بتاریخ ۲۳ جوزا ۱۳۴۷ در حوالی فابریکه دایر کرده بودند وما خبر آنرا دریکی ازشماره های گذشته پرچم نشر کردیم، سه تن ازکارگران آگاه وصدیق رابوکالت خویش انتخاب نموده بودند، تابغرض برآورده شدن مطالبات قانونی شان با مقامات مربوطه در تماس آیند .

نمایندگان باوقف و تطمیع ناپذیر کار گران زحمتکش فابریکه سمنت بلا فاصله بامقامات مربوط وزارت معدن و صنایع درمرکز به تماس آمده ، با پیگیری واستواری قابل وصفی از حقوق تلف شدهٔ کارگران مظلوم و رفقای هم صنف خود دفاع کردند ومطالبات صنفی وقانونی خویش رابکرسی نشانیدند. ساعت ۶ صبح ۲۳ سرطان یعنی درست یکماه بعد از میتینگ متذکرهٔ ساعت اعلام پیروزی فرا رسید ونمایندگان کارگران در اجتماعی که از طرف رفقای منتظر شان در داخل فابریکه برگذار شده بود ، نتایج مبارزات پیگیر ، منطقی ، مستدل وقانونی خویش را ابلاغ کردند .

بدینمعنی که مقامات مسؤول حاضر شده اند درهر تایم کار برای کارگران ما کولات بدهند، پول ذخیره آنانرا باحفظ مفاد در یکی از بانکها به امانت بگذارند ، فامیل کارگران راشامل بیمهٔ صحی نمایند واجرای مطالبات دیگر شانرا وعده دهند.

با ابلاغ این نتایج، نمایندگان از طرف کارگران با حرارت استقبال شدند و تصمیم گرفتند دوباره بکار فعال ساختن داش دوم فابریکه آغاز نمایند .

در انجام این اجتماع رئیس فابریکه بحضور کارگران حاضر شده و آمادگی خویش را برای هرگونه همکاری با کارگران ابراز داشت و کارگران بکار آغاز کردند .

پرچم
دوشنبه خپریږی

دتاسیس کال : د۱۳۴۶ (کب) .
دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر : سلیمان (لائق)
آدرس : غوثی مارکیټ
محمد جانخان واټ
کابل، افغانستان

اشتراک
په مرکز کی دکال ۱۰۰ _ افغانی
په ولایاتو او پښتونستان کی دکال ۱۱۰_افغانی
له هیوادنه دباندی دکال ۱۰_ دالره
یوه ګڼه ۲_افغانی

دولتی مطبعه

تلخیص وترجمه : م . ا . خیبر

پرابلمهای حیاتی تکامل راه رشد غیر سرمایه داری

-۹-

مقدمه تیوریك :

پیش در چندین مرحلهٔ مختلف وپیچیده تکامل نموده است. وقتی که جامعه قوانین اساسی جریان تکامل را شناخت، میتواند یکمك شناخت خود ازاین قوانین، درد زایمان مرحلهٔ جدید تکامل را بتخفیف دهد .

امکان دارد بعضی از ملتها بدون غیر سرمایه داری را بسین برود برپایه رشد وکشور های که رشد نیابند که «کار مشخص» . یعنی چگونه نیرو های صنعتی امروزی میتوانند بحیث ملکیت اجتما عی درنخدمت تمام اجتماع قرار گیرد. آنها معتقد بودند که کمك پرولتاریای پیروز مند کشور ها ی پیشرفته صنعتی شرط مو فقیت کدار به سوسیالیزم میکردد .

حا مـا نیـ تیـو ری متصخ «نیرو ها ی مولده» میدانند ـ امکان گذار کشور های درحال رشد را بدون طی مرحلهٔسرمایه داری به سوسیالزم امکان پذیر نیست.

آنها میگفتند تازمانی که در کشورهای غربی صادر کردند. بطورقاچاق،بفرض گریز ازتادیهٔ محصول و مالیات وتوانائی واستفادهٔ کامل از استعمار حاصلهٔ آن. از کشور خارج کرد یده به بازار های کشور های سرمایه داری بفروش میرسد.

بو ضاحت میتوان دیدکه تجار بزرگ دلال نقش طفیلی و تا رآجکر را به همکاری و ، همدانی استعمار نوین ونیرو های بیرو کرا تیك فا سد ورشوه ستان و متنفذین داخلی بازی میدهند و زمینه رسوخ روز افزون امپر یا لیزم را در اقتصاد ملی ما

(از ص اول)

قشر تجار کمپرادور...

بو سا یلیکه در بالا متذکر شد یم وطرق دیگری ما نند استفاده از خیلی بطی ، اقتصا د ی کشور و مدیری قرار گیرد که سر انجام معافی ها، برون کشیدن اموال تحتانی بنام اموالیکه محصول آنها قابل است از گمرکات، (مثلا عوض توار یف توار، بجای قلم ابرو ، قلم پنسل ، عوض دیك بخار ـ دیك النومینوم درجه‌دار)، معافی عطر، روغن موی و غیره‌وغیره محصول شده است) تولید امر ا ل ازطریق کمر کیها و لا یات...وغیره نمی برداز ند.

همچنین تجار کمپرا دور قسمت بیشتر اموال را بصورت اد هاق وارد صادر میناینده واز بنـاء منافع بزرگی را حاصل میکنند، حتی یك قسمت زیاد فالین وفرهای...که اقلام عمدهٔ صادراتی ما را تشکیل‌داده و به بهانهٔ اینکه قسمت بیشتر ارد وی مورد نیاز کشور از بیراه تأمین میکردد وباید بدون درنظر گر فتن بودجهٔ دولت ومنافع بزرگی برای احراز استقلال اقتصادی آنها شناخته شده و در ر بودجه‌ها ی دولت لیـه د ی و ساختمانهای خرد و بزرگ و در پروژه های راهسازی وغیره رهسپار شهرها، مناطق صنعتی و پرو ژه ها گردیدند. عمدهٔی ازین مردم بی‌نوائی و نجیب در پرو ژه های مر بوط به بخش عامه وغیره به کار های بالمر پرداختند .

فن بخرش در آوردن ماشین ها ی غول پیکر را آمو ختند، در یا ها را مهار کردند، دل کو هپای بز رکترا شکا فتند و گاز گران ها مر شدند. جای ذهنیت ساده دهقانی، بردگی و دوخت و دوز، لوازم و سلاح جنگ، زیورها، شکار، افراز پیشه و ران، هنرهای زیبا، شعر،موسیقی، رقص، شاهنامه خوانیها، انواع حکا یه‌ها، طرز لباس، عرف و غیره میباشد.

بو چمدا ران دهه اخیر تعداد زیا دی از هنر مندان و تحنکش هزاره هزاران حکو ممی مجبور گردیده اند ترك محل نموده و به شهر ها و بخصوص شهر کابل سرا زیر شوند وجهت تامین زند گی بحور و تمیر امور مشقت باری را انجام د هند و تعداد دیگری ما نند سایر کو هستا نیان بی زمین و کم ز مین سیه روز و نبهه ست اقلا تستان نا طی یکی دو دهه اخیر جهان با ستفاده از حداقل امکانات و شرایط بسیار دشوار در پروژه ها ی ساختما نی خرد و بزرگ و در پروژه های راهسازی وغیره رهسپار شهرها، مناطق صنعتی و پرو ژه ها گردیدند.

بعضی ازین نیرو ها یا ما هیت کاملا فئو دالی خود در ز مان امیر شیرعلیخان (۷۹ـ۱۸۶۳) بیشتر پیرو گرفتند و تا جائیکه بملا حظه میرسد امنیا زات اقتصادی و سیاسی آنها تاکنون بر قرار است.

در روز گار امیر شیر علی خا ن برای نخستین بار اجازه عبو ردمرور از میان هزاره ها به کو چبان دادهشد که قبلا جز کار وانهای تجار نی آمد و شد چندانی و جود نداشت واز آن پس استعمار کهن واداره استعبا دی افغا نستان میان ده نشینان هز اره وکوچیان که هر دو محکوم طبیعت ، بمنظور ایجاد واستحکام ا تحا د واقعی و عملی ملی بین خلقها ی افغا نستان سعی میگردد تا از طریق قانونی مطا بق به اسا سهای دمو کرا سی بی تشکیلات اسا سی و به جر که های محلی وملی را با عث گشت و درسال (۱۸۹۲) این ستمها بیش از هـر وقـت دیگـر حاد شد. هزارچوات مورد‌تاخت وتازمستبدین و و دست نشاندگان استعمارگـین‌قرار گرفت وخلق‌هزاره‌به‌بردگی کشا نیده شد و مورد بیر حم ترین ستم ملی و طبقاتی قرار گرفتند. استعمار، خلاق ویر ارزش هزارگان نجیب ما نند امتعهٔ تجارتی به بازار عر ضه شد و جثیت و کرامت انسانی، حقوق و آزادیهای همو طنان هزاره ماند‌سالار خلفهای کشورد‌رمعرض بیداد‌ارتجاع، استبداد شرقی قرون وسطا‌ئی‌وعمال دستگاه حاکمه‌ونیروی استعماری‌واقع گردیده و در نتیجه سیا ست های منفور و مردود ضد ملـی و ضـد دمو کراتیك، تبعیض قو می ومنطقوی وتفرقه ملی را به مردم افغا نستان تا به امر وز آورد و مانـع همبستگی نیرومند و اتحاد برادرانه خلقها ی هم طن کشور و سد عمده تر قی و تکامل اجتماعی گردید ودر بسیاری از شئون سیاسی، فر هنگی‌واجتماعی حق اشتراك بمردم هزاره‌داده نشد.

از نظر تشکیلات اداری هزارجات برحمانه مورد تبعض قرار گر فته، به‌بارچه های متعددی تقسیم گردیده است که هر کو شهٔ آن فقط بر روی یکدیگر باز بوده و بطور نظر گرفتن‌مشکلات مردم و بعد مسافه و عدم‌مو جو دیت راه های مناسب از تباطی، رو ا بط مستحکم اقتصادی و عو امل ملا زمی دیگری به یکی از ولا یات‌دیر یو طه ساخته شده که ازین تا حیه مر د م غیور و شریف هزاره به‌شورای‌های ولا یتی آن از خلق دیجار استند. بنا‌ءً روی همـین درك عمیق خـوا ستها و مشکلات مردم و منا سبات فرهنگی، اقتصادی، تاریخی در قلمرو و احد اقوام و خلقهای برادر و طـن ما افـغا نستان است که نیرو ها ی دمو کرا تیك خلق در مرام منشور و طن ما در شماره های اول و دوم پر چم به خلق در بخش سیاسی نشر نمود که: «بمنظور ایجاد واستحکام ا تحا د واقعی و عملی ملـی بین خلقهـا ی افغا نستان سعی میگردد تا از طریق قانونی مطا بق به اسا سهای دمو کرا سی بی تشکیلات اسا سی مملکت از لحاظ ر بطهٔ اقتصا دی، لسانی و فرهنگی تجدید نظر شود و به چر که های محلی وملی را حد ها ی تشکیلاتی کشور که بر اثر انتخابات صلاحیت واختیا رات و سیع داده شود...»

در سال های اخیر تعداد زیا دی از هنر مندان و تحنکش هزاره بنا بر افزایش نفوس، قلت زمین زراعتی، بدون ز و ر وزیا نجام واز حقوق واز دیدهای و سیع دمو کرا تیك خلق بی بهره ماندند و مجبور گردیده اند ترك محل نموده و به شهر ها و بخصوص شهر کابل سرا زیر شوند وجهت تامین زند گی بحور و تمیر امور مشقت باری را انجام د هند و تعداد دیگری ما نند سایر کو هستا نیان بی زمین و کم ز مین سیه روز و نبهه ست اقلا تستان نا طی یکی دو دهه اخیر جهان با ستفاده از حداقل امکانات و شرایط بسیار دشوار در پروژه ها ی ساختما نی خرد و بزرگ و در پروژه های راهسازی وغیره رهسپار شهرها، مناطق صنعتی و پرو ژه ها گردیدند.

بعضی ازین نیرو ها یا ما هیت کاملا فئو دالـی خـود در ز مان امیر شیرعلیخان (۷۹ـ۱۸۶۳) بیشتر پیرو گرفتند و تا جائیکه بملا حظه میرسد امنیا زات اقتصادی و سیاسی آنها تاکنون بر قرار است.

در روز گار امیر شیر علی خا ن برای نخستین بار اجازه عبو ردمرور از میان هزاره ها به کو چبان دادهشد که قبلا جز کار وانهای تجار نی آمد و شد چندانی و جود نداشت واز آن پس استعمار کهن واداره استبدا دی افغا نستان میان ده نشینان هز اره وکوچیان که هر دو محکوم طبیعت ، بمنظور ایجاد واستحکام ا تحا د واقعی و عملی ملـی بین خلقهـا ی افغا نستان سعی میگردد تا از طریق قانونی مطا بق به اسا سهای دمو کرا سی بی تشکیلات اسا سی و به چر که های محلی وملی را حد ها ی تشکیلاتی کشور که بر اثر انتخابات دمو کراتیك بمیان آمده با ید شنه شود، و به چر که های محلی وملی را حد ها ی تشکیلاتی کشور که بر اثر انتخابات صحیح دمو کراتیك بمیان آمده با ید شنه شود،

در خاتمه باید توجه نمود که سیر صعودی قیمت‌ها علل عمده اضافه دارد تا آن علل از بین نرود معضله گرانی نیز حل نخواهد شد . لذا تقلیل گرانی ونزول نرخها و مبارزه

(از ص اول)

افزایش قیمتها...

کرهی از کار مردم نخواهد کشود ، بلکه کره های دیگری بر آن خواهد افزود .

ماموران صاحب کوپون در کابل توزیع کرهی و مواد دیگر را به قیمت ارزان میفروشند و میگو شند که رشد مقدارآن قلیل بوده وتاثیرات مهمی بالای قیمت غله و مواد غذائی در بازار ندارد .

هر وقت فریاد مردم از ناحیه گرانی مصارف زند گـی بلند شده مقامات مربوط بجای معالجه اساسی دیگری‌در کوچه‌وبازار بجان‌اهل کسبه ودکانداران افتاده و از طریق حبس و جریمه وآزار آنها و نشر آن در رادیوی دولت مردم را سر گر م کرده اقدامات سطحی ومیان تهی نه تنها

از فصل حقوق اساسی افراد

مصو نیت مسکن

(اعضر فیض- کانکیون پرچم- اهدا به آنهائیکه مبارزه را به زمین نگذاشته)

اصل مصونیت مسکن جز ئـی ازحقوق مسلم واساسی مردم است، که هیچ شخص وقدرتی حق نـدارد داخل مسکن کسی شود، مگر به‌اجازه صاحب خانه‌ودرموا‌قع‌کاملا استثنائی بموجب حکم محکمهٔ با صلاحیت. حق مصونیت مسکن بامنزل دوا قع انکشاف همان آزادی شخصی‌است. مادهٔ دوازدهم اعلامیه جهانی حقو ق بشرمفسر است‌که: «احدی درزندگی خصوصی، امورخانوادگی، اقامتگاه.. نباید مورد مداخله های خود سرانه واقع شود وشرافت و اسمش نباید ونمایند گان هیات حاکمه‌ویاناظامیان زاندارم و پولیس بزور وعنف برای وحملات مورد حمایت قانون واقع شود». قانون در جوامع د مو کرا تیك ومترقی بغرض تضمین وحمایت حق مصونیت منزل، ماموران وحکومت را ازداخل شدن درمسکن اشخاص جدا منع کرده است. هرگاه شخصی ویا مامور حکومت درمنازل اشخاص‌جبرا داخل شود، محکوم به جزای شدید میگردد .

حـق مصونیت مـنزل در اعصار و قرون گذشته احترام نمیگردید، اشراف ، خـوانیـن ، رو حانیـون وفئودالی وخانخانی‌حکمفرمائی‌مینمایند، در واقـع تمام « منازل» دهقا نـان وزحمتکشان جزء ملـکیت ملاکین ، خوانین ومتنفذین محلی میباشد که صاحب منزل در موقع مواجه قانونی وخوف ازمحاکمه» وبازخواست‌خانه وخانواده دهقانان ومردم ستمدیده را پـایمال کمیفل‌مختلت‌جلـر،محزون نواسیز‌ایشمجلر خوجئین آراو ستیغو بادار بولگی بولغمی ؟ تودهٔ بیچاره کوز باشین توکوپ‌پول آیستان پاره‌خون ما مور لر بیکا ر بولگی بولغمی ؟ هریانا باقسم یانورمردم جفاـظلم‌او تیده یو غریب لرکیشی غمخوار بولگی بولغمی ؟ کیلنوروز تاریخ سیری عاقبت بروز گریتس (۱) بویقین دور دغم یمه زینهاربا‌بولگی بولغمی ؟

م. ارسلان فاریاب دن

(۱) تحول، تغییر .

بخش زبان اوزبکی

اوزبیك تیلی تینگ بولومی

بو لگی بو لمگی؟

آ. ظلم دیرنکو چیلر هم خوار‌بولگی بولمگی ؟
کوز لری مظلوم م گو زید یك زا د . بولگی بولمگی ؟
تشنه ارغه‌اهل‌استبداد‌وظالم(...) نی دین
کاسه لر یمانه لر سرشار بولگی بولمگی ؟
کمیفل‌مختت‌جلر،محزون نواسیز‌ایشمجلر
خوجئین آراو ستیغو بادار بولگی بولمگی ؟
تودهٔ بیچاره کوز باشین توکوپ‌پول آیستان
پاره‌خون ما مور لر بیکا ر بولگی بولمگی ؟
هریانا باقسم یانورمردم جفاـظلم‌او تیده
یو غریب لرکیشی غمخوار بولگی بولمگی ؟
کیلنوروز تاریخ سیری عاقبت بروز گریتس (۱)
بویقین دور دغم یمه زینهاربا‌بولگی بولمگی ؟

م. ارسلان فاریاب دن

(۱) تحول، تغییر .

د ر بار ۀ چـهار مسأ لـه مـلـی ...

واقعی دمو کراسی اقتصا دی عبارت است از آزادی انسان‌ازاستثمار واز تسلط اقتصادی طبقات‌حاکمه‌استثمار‌گر وصا حبان امتیاز ومنتفذ جا معه وبهره مند شدن‌اکثریت عظیم توده‌ها ی خلق از فر صت وا مکان‌همانند اقشار دیگر جامعه بخاطر جلا ی زندگی‌که شایسته انسان است. یعنی انسان بحقوق کا مل فردی واجتماعی خود نایل آید .

در شرا یط فعلی کشور ما بخاطر نیل به دمو کراسی واقعی ، وسیـع وهمه جانبه‌سیاسی و اجتماعی‌وظیفه اساسی و مبرم تا مین د مو کرا سی ملی است زیرا تا مین د مو کرا سی ملی در این مرحله تاریخی دور نمای وسیعی را در برابر کشور عقب‌مانده ما میکشا ید .

در اوضاع و احوال تاریخی‌کنونی کشور ما، فقط دو لت دمو کرا سی ملی میتوا ند با پیگیری از استقلا ل ملی دفاع کند ، صنایع ملی رااحداث نماید ، سیا ست خا ر جی مستقل صلحجو یانه را تعقیب و بر ضـد اشکال وشیو ه ها ی تو سعه‌طلبا نه استعماری وامپر یا لیزم مبا رزه‌کند، دکتا توری و ا ستبداد حکو مت را زدا یل شدن درمسکن اشخاص جدا گانه قانون اساسی‌واقع‌میشود، درکشورما ازادیخواهان وعناصر ملی در منزل خود احساس مصؤ نیت نمیکنند، واقعات زیاد مداخلات خود ر سرانـه پولیس به‌حق مصونیت منزل وامور خانوادگی مردم وجود دارد .

چـون در کشو ر هـنوز شرایط فئودالی وخانخانی‌حکمفرمائی‌میباشد، تامصونیت مسکن واقعا وعملا تامین گردد .

از (ص اول)

د ر بار ۀ چـهار مسأ لـه مـلـی ...

نیست ، بلکه یك مبارزه عمیق‌سیاسی ودر آخرین تحلیل یك نبرد طبقا تی است، وظیفه ملی و تا ریخی تمام نیرو های متر قی ووطنپر ست است که راه حلی برای مسا یل اجتما عی، مسایل مربوط به‌تحکیم استقلال ملی ورشد سریع اقتصاد کشور پیدا کند ولی تا کنون میهمتر ین راه حلی که برای غلبه بر عقب ما ندگی قرو ن متما دی و بهبود بخشیدن به شرا یط زندگی کشور های مشابه به کشور سو سیا لیزم تامین میکردد .

رشد نیرو های مولده ، ایجـاد صنایع ملی، اصلاحات اساسی‌ارضی، افـزا یش سـ ی حمتکشان ن ، استقـرار دمو کراسی‌وبسطدمو کراتیك‌ومترقی تا حدود زیادی وابسته به ارتقـاء سطح فر هنگ نوین ملی ، متر قی ، علمی وخلقی است .

مشی اساسی وعمده در تکا مـل فر هنگ ، ادبیات وهنر در دور ن جنبش دمو کرا تیك وملی عبـا رت خوا هد بود از تقویه وتوسعه وپیوند بازندگی تو ده های خلق فعال نستان وتدا ن انعکاس حقیقی ظلم وستـم واستثمار وبیداد گر یهای طبقا ت حا کمه ، از تجاو ز امپر یا لیزم‌بالای خلق کشور .

را هها و وسایل حل :

حل چهار مسأله ملی فوق در این مر حله تاریخی از زمره مسایل عمده ومبرم کشور ما ست . با ید خا طر نشان سا ختـه شود که‌سر انجـام تا ریخ د ر ان معاصر کشور های کم رشد وبراز انجلی لاتین بر ا ز مبارزات آرام وخو نین در راه حـل این مسایل پیچیده ا ست . بجر آن نتوان گفت که خلق افغا نستان وتمام نیرو های متر قی فرجیخواه وطنپر ست به نحوی از انحا ، بالقبول قربانیها ی لازم بصر تر ، قطع یابن هـد فهـای تاریخی خود هند رسید وباز هم به هدف های غایی ومتکا مل‌تر اجتما عی ارتقا خوا هند نافت وهمه موانع را از سر راه جنبش رها یی بخش از بین خوا هند برد . ولی‌بایدبدر نظر داشت که‌خط سیر این نبرد تجیب وباعظمت ضد ا ر تجاع داخـلی وخـا ر جی را نمیتوا ن‌درهرمو ضوع‌معین ومشخص بشکل دقیق جزم وبجزئه پیش بینی کرد . زیرا این نبرد براز فرازونشیب های گو نا گون خود خوا هان ناگهان کا ر تا ر تجاع داخلی وامپر یا لیزم بیش ازحد تر فیخواه و طنپر ست و صد یـق واصو لی خلق در موضع‌ا ر تجا ع ستگر نخوا هند گر فت و دست‌به توطئه وافترا نخوا هند زد زیـرا بی‌با ستفاده رسیدن به هد فهای عا لیه انسا نی، ملی ،دمو کرا تیك ومتر قی خو ش‌با ور نوین اجتماعی میسر دا زد وآزا دی حقها را وسیعا تامین میکند .

ما اعتقاد راسخ داریم که ،کشتی زرین توده های عظیم خلق‌وطن محبوب ما افغا نستان در کرانه افق دور نما یان است . هر قدرت سیـاه و خشین ضد دمو کراتیك که به نحوی ازانحا بخوا هد خلقها را د ر غـل وزنجیر، استبداد وستم مادی‌ومعنوی بیندد خود کور خود را خواهد کند وبه‌لجن زار تنگین تار یـخ سقو ط مدهش خوا هد کرد و سر انجـام خلقهای شریف ، زحمتکش وشجاع ومتحد افغا نستان ، این قلب‌پرتپش آسیا ، پیروز خوا هند شد .

در سیر تاریخ جوامـع بشری ، مبارزات آزاد بیخش پیوسته‌مشحون نشان سا خت که‌سر انجـام تار یـخ د ر ان معاصر کشور های کم رشد وبراز انلی لاتین بر ا ز مبارزات آرام وخو نین در راه حـل این مسایل پیچیده ا ست . بجر آن نتوان گفت که خلق افغا نستان وتمام نیرو های متر قی فرجیخواه وطنپر ست به نحوی از انحا ، بالقبول قربانیها ی لازم بصر تر ، قطع یابن هـد فهـای تاریخی خود هند رسید وباز هم به هدف های غایی ومتکا مل‌تر اجتما عی ارتقا خوا هند نافت وهمه موانع را از سر راه جنبش رها یی بخش از بین خوا هند برد . ولی‌بایدبدر نظر داشت که‌خط سیر این نبرد تجیب وباعظمت ضد ا ر تجاع داخـلی وخـا ر جی را نمیتوا ن‌درهرمو ضوع‌معین ومشخص بشکل دقیق جزم وبجزئه پیش بینی کرد . زیرا این نبرد براز فرازونشیب های گو نا گون خود خوا هان ناگهان کا ر تا ر تجاع داخلی وامپر یا لیزم بیش ازحد تر فیخواه و طنپر ست و صد یـق واصو لی خلق در موضع‌ا ر تجا ع ستگر نخوا هند گر فت و دست‌به توطئه وافترا نخوا هند زد زیـرا بی‌با ستفاده رسیدن به هد فهای عا لیه انسا نی، ملی ،دمو کرا تیك ومتر قی خو ش‌با ور نوین اجتماعی میسر دا زد وآزا دی حقها را وسیعا تامین میکند .

با اعتقاد راسخ داریم که ،کشتی زرین توده های عظیم خلق‌وطن محبوب ما افغا نستان در کرانه افق دور نما یان است . هر قدرت سیـاه و خشین ضد دمو کراتیك که به نحوی ازانحا بخوا هد خلقها را د ر غـل وزنجیر، استبداد وستم مادی‌ومعنوی بیندد خود کور خود را خواهد کند وبه‌لجن زار تنگین تار یـخ سقو ط مدهش خوا هد کرد و سر انجـام خلقهای شریف ، زحمتکش وشجاع ومتحد افغا نستان ، این قلب‌پرتپش آسیا ، پیروز خوا هند شد .

بهمین‌سبب‌تولید همواره ودرکلیه شرایط جنبه اجتماعی خود وکـار و یکی از اشکال فعالیت انسان‌اجتماعی است. تولید خوا ستـه ها ی ما دی مستلزم سه عامل ذیل است :

۱ـ کار انسان
۲ـ محصول یا مورد کار
۳ـ وسایل کار

کـار : کـا ر د ا نسـا ن همه عاقلانه او مدبرانه فعالیت دی چـه دهقـا نـه یـا سیـنـه هـفه شیا ن که به طبیعت کی شته دی دخیلو اړتیاو د لری کولو لپاره تغییر وی یا به همه دخیلی استفادی لپا ره جمتوکوی .

کار دانسانـی ژو نـد طبیعـی ضرورت او مطلق شرط دی . لـه کارونه پرته دانسان ژوندنا ممکن دی .

دکار محصول یا دکار مورد : هـر همفه شی چه انسان برهمفه باندی‌کار کوی یایه بل‌عبارت هرهمفه شی چـه انسان پر همفه باندی خپـل کـار تحمیلوی دکار محصـول یـا مو رد کار دی .

دکار محصول امکان لری مستقیمـا به طبیعت کی شته وی‌لکه همفونه دطبیعت موجود‌باشه،مانند درختیکه انسان برای رفع احتیاج خود میبـر د یامستقیم عمدکه عینااززمین‌استخراج میشود. ولی محصولات کار همواره

(دنباله دارد)

دستگیر پنجشیری

فرهنگ خلق هزاره بخش جدائی ناپذیری

از فرهنگهای ملی وطن واحد ما افغانستان است

هنوز هم بقا یای ایـن مـنا سبات ترك محل نموده و بـه شهـر ها و فرانوت درین‌قسمت‌کشور‌پایه‌اری‌نشان بخصوص شهر کابل سرا زیرشوند دهند که‌ما ن‌آورد ن‌ز حمتکش هزاره بیشمار میرود و عامل کندی ز ند ه‌ما نند سیا سی، اجتماعی‌وفرهنگی و تکامل اجتماعی گردید ودر بسیاری از شئون سیاسی، فر هنگی‌واجتماعی حق اشتراك بمردم هزاره‌داده نشد.

از نظر تشکیلات اداری هزارجات برحمانه مورد تبعض قرار گر فته، به‌بارچه های متعددی تقسیم گردیده است که هر کو شهٔ آن فقط بر روی یکدیگر باز بوده و بطور نظر گرفتن‌مشکلات مردم و بعد مسافه و عدم‌مو جو دیت راه های مناسب از تباطی، رو ا بط مستحکم اقتصادی و عو امل ملا زمی دیگری به یکی از ولا یات‌دیر یو طه ساخته شده که ازین تا حیه مر د م غیور و شریف هزاره به‌شورای‌های ولا یتی آن از خلق دیجار استند. بنا‌ءً روی همـین درك عمـیق خـوا ستها و مشکلات مردم و منا سبات فرهنگی، اقتصادی، تاریخی در قلمرو و احد اقوام و خلقهای برادر و طـن ما افـغا نستان است که نیرو ها ی دمو کرا تیك خلق در مرام منشور و طن ما در شماره های اول و دوم پر چم به خلق در بخش سیاسی منعکس گردید: «بمنظور ایجاد واستحکام ا تحا د واقعی و عملی ملـی بین خلقهـا ی افغا نستان سعی میگردد تا از طریق قانونی مطا بق به اسا سهای دمو کرا سی بی تشکیلات اسا سی و به چر که های محلی وملی را حد ها ی تشکیلاتی کشور که بر اثر انتخابات دمو کراتیك بمیان آمده با ید شنه شود، و به چر که های محلی وملی را حد ها ی تشکیلاتی کشور که بر اثر انتخابات صحیح دمو کراتیك بمیان آمده با ید شنه شود،

در سال های اخیر تعداد زیا دی از هنر مندان و تحنکش هزاره بنا بر افزایش نفوس، قلت زمین زراعتی، بدون ز و ر وزیا نجام واز حقوق واز دیدهای و سیع دمو کرا تیك خلق بی بهره ماندند و مجبور گردیده اند ترك محل نموده و بـه شهـر ها و بخصوص شهر کابل سرا زیر شوند وجهت تامین زند گی بحور و تمیر امور مشقت باری را انجام د هند و تعداد دیگری ما نند سایر کو هستا نیان بی زمین و کم ز مین سیه روز و نبهه ست اقلا تستان نا طی یکی دو دهه اخیر جهان با ستفاده از حداقل امکانات و شرایط بسیار دشوار در پروژه ها ی ساختما نی خرد و بزرگ و در پروژه های راهسازی وغیره رهسپار شهرها، مناطق صنعتی و پرو ژه ها گردیدند.

بعضی ازین نیرو هـا یا ما هیت کاملا فئو دالـی خـود در ز مان امیر شیرعلیخان (۷۹ـ۱۸۶۳) بیشتر پیرو گرفتند و تا جائیکه بملا حظه میرسد امنیا زات اقتصادی و سیاسی آنها تاکنون بر قرار است.

در روز گار امیر شیر علی خا ن برای نخستین بار اجازه عبو ردمرور از میان هزاره ها به کو چبان دادهشد که قبلا جز کار وانهای تجار نی آمد و شد چندانی و جود نداشت واز آن پس استعمار کهن واداره استبدا دی افغا نستان میان ده نشینان هز اره وکوچیان که هر دو محکوم طبیعت ، بمنظور ایجاد واستحکام ا تحا د واقعی و عملی ملـی بین خلقهـا ی افغا نستان سعی میگردد تا از طریق قانونی مطا بق به اسا سهای دمو کرا سی بی تشکیلات اسا سی و به چر که های محلی وملی را حد ها ی تشکیلاتی کشور که بر اثر انتخابات دمو کراتیك بمیان آمده با ید شنه شود، و به چر که های محلی وملی را حد ها ی تشکیلاتی کشور که بر اثر انتخابات صحیح دمو کراتیك بمیان آمده با ید شنه شود،

در خاتمه باید توجه نمود که سیر صعودی قیمت‌ها علل عمده اضافه دارد تا آن علل از بین نرود معضله گرانی نیز حل نخواهد شد . لذا تقلیل گرانی ونزول نرخها و مبارزه

(از ص اول)

افزایش قیمتها...

کرهی از کار مردم نخواهد کشود ، بلکه کره های دیگری بر آن خواهد افزود .

ماموران صاحب کوپون در کابل توزیع کرهی و مواد دیگر را به قیمت ارزان میفروشند و میگو شند که رشد مقدارآن قلیل بوده وتاثیرات مهمی بالای قیمت غله و مواد غذائی در بازار ندارد .

هر وقت فریاد مردم از ناحیه گرانی مصارف زند گـی بلند شده مقامات مربوط بجای معالجه اساسی دیگری‌در کوچه‌وبازار بجان‌اهل کسبه ودکانداران افتاده و از طریق حبس و جریمه وآزار آنها و نشر آن در رادیوی دولت مردم را سر گر م کرده اقدامات سطحی ومیان تهی نه تنها

(دنباله دارد)

اقتصادی تعریفونه

او اصطلاحات

ماخذ : دعلم اقتصاد رسا له دری

پښتو

تو لید او گار: ددی لپاره چـه انسان خپل ماڼی غو ښتنی یاملاونه دخپلو اړتیا وو درفع کولو لپـا ره تهیه کړی تا چار دیچه هغه تو لید کاندی او ددی لپاره چه هغه تولید وکړی شی باید کار و کړی .او داځکه چه دانسان ټولی اړتیاو ی‌په طبیعت کی تیاری نه شته دی . بنا پر د ی انسان ددی لپاره چه خپل‌اړتیاو ی غوښتنی تولید کاندی مجبور دی د طبیعت په مقابل کی هغه وکړی او دخپل کار اوزور پر په رور د طبیعت به موجودو شیانو کی تصرف‌وکړی او داسی تغییروړنه یکی راولی چـه دده اړتیاوو درفع کولو لپارم لازم دی. مګر دامپارزه د طبیعت پر ضد نهبشر پر زابه این مدارج ومدا رج عالیتو ومتکا ملتر پر ساند . مطالعه کړی شی باید کار و کړی .او داځکه چه دانسان ټولی اړتیاو ی‌په طبیعت کی تیاری نه شته دی . بنا پر د ی انسان ددی لپاره چه خپل‌اړتیاو ی غوښتنی تولید کاندی مجبور دی د طبیعت په مقابل کی هغه وکړی او دخپل کار اوزور پر په رور د طبیعت به موجودو شیانو کی تصرف‌وکړی او داسی تغییروړنه یکی راولی چـه دده اړتیاوو درفع کولو لپارم لازم دی. مګر دامپارزه د طبیعت پر ضد نهبشر پر زابه این مدارج ومدا رج عالیتو ومتکا ملتر پر ساند .

تو لید او گار: برای اینکه انسان خواسته های مادی یامال رابرای‌رفع احتیاجات خودتهیه نماید ناگذ یر است که آنها راتولید کند.برای‌اینکه تولید نماید ناچار است کارکند زیرا کلمه احتیا جات اودر طبیعت سا خته

کـار : کـا ر و عبـا ر ت ازآن فعالیت عاقلانه و مدبرانه انسان‌است که بوسیله آن آدمی اشیا ئیرا کـه در طبیعت موجود است بمنظور رفع احتیاجات خود تغییر میدهد ویا آنها را برای استفاده خود آماده میسازد.

کار ضرورت طبیعی و شرط مطلـق حیات انسانی است . بدون‌کارزندگی انسان غیر ممکن است .

محصول یا مورد کار: هرچیز یکه انسان بروی آن کار میکند یا بعباره دیگر هر چیزیکه بر آن احتیاج خودرا تحمیل میکند محصول یامورد کار است .

محصول کار ممکن است مستقیما درطبیعت موجودباشد،مانند درختیکه انسان برای رفع احتیاج خود میبر د یامستقیم عمدکه عینااززمین‌استخراج میشود. ولی محصولات کار همواره

(دنباله دارد)

چنین وضعی را ندارند وباید بسازو استخراج یاجدا کردن آنها از طبیعت مورد یك سلسله فعل وانفعالات دیگر قرارگیرند تاآماده برای رفع‌احتیاجات مشخص انسانی گردند .

مواد او لیه یاخام مواد : این قبیـل مصحولات کارمواد اولیه‌نامیده‌میشوند مانند درختیکه‌قبل‌ازکارگرفتن‌در تعمیر یاساختمان کشتی بایـد بصـورت درآورد تخته درآید، یاصنتک معدنیکه دیگرکارخانه فلز کاری ذوب وتجزیـه میشود ، یا بسیه ایکه در ریسمند کی بکار میرود یاپنبل‌نخی که درکارخانه نساجی مورد استفاده قرار میگیرد .